

## قرائن و معیارهای اعتبار حدیث با تکیه بر مبنای وثوق صدوری در حجیت خبر واحد

سید محمد طباطبایی<sup>۱</sup>

### چکیده

بیشتر معارف اسلامی از طریق روایات به مسلمانان منتقل شده است. با توجه به فاصله زمانی طولانی با عصر صدور و آسیب‌های مختلفی همچون جعل، تصحیف، تقیّه و ... که به این میراث حدیثی وارد آمده، ضرورت دستیابی به معیارهایی برای تشخیص حدیث معتبر و قابل اعتماد، همواره مورد بحث عالمان بوده است. در این زمینه دو مبنا میان علما مطرح است: «وثوق سندی» و «وثوق صدوری». از آنجا که مبنای صحیح در نظر قدما و بسیاری از محققان معاصر، وثوق صدوری حدیث است، این مقاله با مفروض دانستن این مبنا پس از اشاره مختصر به معیارهای کاشف از عدم صدور و عدم اعتبار حدیث، درصدد احصای قرائن و معیارهایی برآمده که موجب اطمینان و وثوق نوعی به صدور حدیث و در نتیجه، اعتبار و حجیت آن می‌گردد. در این بررسی مجموعاً هفت معیار به عنوان ملاک‌های مقبول، ذکر شده است.

### واژگان کلیدی

خبر موثوق<sup>۲</sup> به، اعتبارسنجی حدیث، قرائن وثوق صدوری حدیث، نقد حدیث

### پیش‌گفتار

سنت یکی از منابع مهم فهم و استنباط معارف و احکام دین محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که بخش عظیمی از معارف دین از این طریق به مخاطبان رسیده است. این منبع، برخلاف قرآن کریم،

۱. مدرّس سطوح عالی حوزه علمیه قم.

در طول زمان، دچار آسیب‌های متعددی از جمله جعل، تحریف، تصحیف، تقطیع، نقل به معنای مخلّ مقصود، تقیّه و ... شده است.<sup>۲</sup> از این رو اعتبارسنجی و تشخیص احادیث معتبر و دارای حجّیت، برای دستیابی به معارف درست دین، ضروری است.

برای نقد و اعتبارسنجی روایات در کتاب‌های فقهی، دو دیدگاه معروف وجود دارد: دیدگاهی مبتنی بر وثوق سندی و دیدگاهی مبتنی بر وثوق صدوری. شهید ثانی، محقّق اردبیلی و آیت الله خویی از طرفداران نظریه وثوق سندی بوده و بیشتر فقیهان شیعه از قداما تا متاخّرانی مانند شیخ بهایی، وحید بهبهانی، شیخ انصاری، صاحب جواهر و آیت الله بروجردی، قائل به مبنای وثوق صدوری بودند.<sup>۳</sup> بنا بر مبنای وثوق سندی، تنها راه تشخیص احادیث معتبر از غیر معتبر، بررسی سند روایت و احراز ثقه بودن همه راویان سند است. عدم توثیق حتّی یک راوی، موجب سلب اعتماد از حدیث و عدم حجّیت آن می‌شود. بنا بر مبنای وثوق صدوری، ثقه بودن راویان، تنها یکی از معیارهای اطمینان به صدور روایت از معصوم علیه السلام است؛ نه راه انحصاری. در نظر قائلان به این مبنای، برای وثوق به صدور حدیث، افزون بر توجّه به وضعیت رجالی راویان، باید به قرائن و راه‌های متعدّد دیگری نیز توجّه شود. حتّی ممکن است همه راویان یک روایت، ثقه باشند، اما از قرائن و امارات دیگر، اطمینان حاصل شود که این روایت، معتبر نیست. روش مورد قبول قداما در تعامل با روایات، همین بود.<sup>۴</sup>

در کنار قرائن وثوق به صدور، معیارها و قرائنی وجود دارد که کاشف از عدم صدور یا دست کم، عدم اعتبار حدیث است. این معیارها در کتاب‌های نقد و اعتبارسنجی حدیث معاصر، با عنوان معیارهای نقد محتوایی حدیث شناخته می‌شود و ثمره علمی آنها با ثمره قرائن وثوق به صدور حدیث تفاوت دارد.

از جمله عالمانی که به احصای قرائن وثوق به صدور حدیث پرداخته‌اند، شیخ بهایی در مشرق الشمسین، شیخ حرّ عاملی در خاتمه وسائل الشیعه و محدّث بحرانی در مقدّمه الحدائق الناضرة هستند. در میان مقالات نیز مقاله «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها» از استاد محمّد حسن ربّانی بیرجندی، تا حدودی به این موضوع پرداخته است. اما تعداد قابل توجّه‌ای از قرائنی که در این آثار آمده، موجب اطمینان نوعی به صدور حدیث نمی‌شود. همچنین درباره رابطه و تمایز میان قرائن

۲. آسیب‌شناسی حدیث، ص ۲۴ و ۴۵ و ۶۶ و ۷۱ و ۹۸.

۳. وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها، مجله فقه، ش ۱۹، ص ۱۴۵.

۴. فرهنگ‌نامه اصول فقه، ج ۱، ص ۴۴۰.

وثوق به صدور حدیث و معیارهای کاشف از عدم صدور و سلب اعتبار حدیث و تقدّم و تاخّر آنها بر یکدیگر، بحث نشده است؛ در حالی که توجّه همزمان به هر دو دسته از معیارها، موجب نظم و انسجام در فرآیند اعتبارسنجی حدیث می‌شود.

در فرآیند نقد و اعتبارسنجی حدیث، دو گروه از معیارها و قرائن وجود دارد. یکی، معیارهایی که موجب وثوق به صادرنشدن یک روایت از معصوم علیه السلام می‌شود و دوم، قرائنی که موجب اطمینان به صدور روایت از معصوم علیه السلام می‌گردد. معمولاً معیارهای دسته اول، در نقد محتوایی حدیث و معیارهای دسته دوم در قرائن وثوق صدور بیان می‌شود. برای طیّ فرآیندی روشن و منظم در اعتبارسنجی حدیث، جدایی میان این دو گروه، لازم است.

در این مقاله برای رفع این دو مشکل با رویکردی نظام‌مند، ابتدا تفاوت و تمایز این دو دسته از معیارهای اعتبارسنجی حدیث و فایده علمی آنها روشن گردیده و سپس، قرائنی که موجب وثوق و اطمینان به صدور حدیث می‌گردد، معرفی شده است. در نهایت، هفت معیار، مورد قبول واقع شده و در انتهای بحث، برای رفع تعارض معیارها، راه حلّ مناسبی ارائه گردیده است.

ردنکردن صدور یک حدیث از معصوم با اثبات صدور و نسبت‌دادن اطمینانی آن به معصوم، متفاوت است. اگر صدور یک حدیث رد نشود، لزوماً به معنی صدور آن از معصوم نخواهد بود. همان‌گونه که ردّ انتساب یک سخن به معصوم، نیازمند دلیل است، انتساب اطمینانی آن نیز دلیل معتبری نیاز دارد. چه بسیار روایاتی که سند ضعیفی دارند و دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد، اما دلیلی بر ردّ اطمینانی صدور آن از معصوم هم نیست. در سیره عقلاً نیز که مبنای حجیت خبر واحد است، اگر فاسقی خبری بیاورد و قرینه محکمی بر کذب آن وجود نداشته باشد، نه نفی می‌شود و نه اثبات، بلکه هر دو طرف، محتمل شمرده می‌شود.

از این رو در مقام اثبات اعتبار و عدم اعتبار روایات، دو گونه از دلایل، شکل می‌گیرد. یکی معیارهایی که به صورت سلبی، صدور یک روایت از ناحیه معصوم را نفی و آن را غیر معتبر می‌کند. دوم، معیارهایی که به صورت ایجابی باعث حصول اطمینان به صدور یک روایت از ناحیه معصوم و حجّت‌شدن آن می‌شود. هنگامی که دو دسته معیار در نقد حدیث، وجود داشته باشد، دو نوع نقد نیز به وجود می‌آید؛ یکی نقد با نگاهی سلبی برای نفی صدور روایت و دیگری، نقد با نگاه ایجابی برای اثبات صدور روایت.

این نوشتار در دو بخش جداگانه، به بیان معیارهای هر دو دسته پرداخته و در انتها بحثی در تقدّم معیارهای دسته اوّل بر دسته دوم آورده است.

## الف) معیارهای کاشف از عدم صدور یا عدم اعتبار حدیث

بیشتر این معیارها مربوط به متن و محتوای حدیث بوده و ویژگی آن، قطعی یا قابل اطمینان بودن است. این معیارها عبارتند از: مخالفت با قرآن، مخالفت با سنت قطعیه، مخالفت با حکم قطعی عقل، مخالفت با ضروریات دین و مذهب، مخالفت با یافته‌های یقینی از محسوسات و تجربیات علمی، مخالفت با مسلمّات تاریخی، رکیکه سخیف و ضعیف بودن معنای روایت به گونه‌ای که قابل انتساب به معصومان علیهم‌السلام نباشد و جمع قرائن اطمینان آور.

توضیح معیار آخر چنین است که برخی از قرائن و شواهد به تنهایی موجب اطمینان به جعل یا عدم صدور حدیث نمی‌شود، اما جمع و تراکم آنها چنین وثوقی را ایجاد می‌کند. از جمله این قرائن عبارتند از: شناخته شده بودن راوی به جعل و دسّ، اعتراف راوی به جعل، روایت راوی از کسی که امکان ملاقات و دریافت روایت از او را نداشته است، اضطراب سندی یا متنی روایت، رعایت نشدن قواعد ادبیات عرب، منفرد بودن در روایت مطلبی که زمینه و انگیزه نقل آن بسیار است، نبودن روایت در کتب معتبر و قابل اعتماد، افراط در ثواب فراوان و عجیب بر عملی کوچک.<sup>۵</sup>

پس از آن که یک روایت با این معیارها سنجیده شد و مخالفتش با یکی از اینها معلوم گردید، در صورتی که قابلیت حملی مقبول بر معنایی صحیح نداشته باشد، فاقد اعتبار خواهد بود. این عدم اعتبار در موارد زیادی ملازم با جعلی بودن و نفی صدور آن از معصوم است؛ ولی باید دقت کرد که در مواردی، اصل یک روایت از معصوم صادر شده، اما در طول زمان، دچار آسیب‌هایی گشته است. یعنی مخالفت آن با معیارهای نقد حدیث، ناشی از ابتلائاتش بوده و نه اشکال در صدورش. آسیب‌هایی که امکان تحلیلی این گونه را دارد عبارتند از: تصحیف، تحریف،<sup>۶</sup> حذف سبب و فضای صدور و نقل به معنای نادرست. در این موارد با توجّه به مخالفت با معیارها می‌توان صدور مفاد و ظهور کنونی روایت را از معصوم نفی کرد، اما نمی‌توان این روایت را از اساس، جعلی دانست؛ زیرا ممکن است، مخالفت کنونی روایت با معیارها، به دلیل آسیب‌های عارض بر آن باشد.

۵. مقیاس الهدایة فی علم الدراية، ج ۱، ص ۴۰۰ - ۴۰۵؛ اصول الحدیث، ص ۱۶۰ - ۱۶۵.

۶. وضع و نقد حدیث، ص ۲۸۱.

## ب) قرائن و معیارهای وثوق به صدور و اعتباریافتن روایات

در فرآیند اعتبارسنجی حدیث، پس از سنجش با معیارهای سلبی و هنگامی که روشن شد یک روایت، هیچ‌کدام از معیارهای رد و طرح را ندارد و از همه آنها به سلامت خارج شده، همچنان نمی‌توان صدور آن را از معصوم علیه السلام، اطمینانی شمرد؛ زیرا رد نکردن صدور یک روایت از ایشان، لزوماً به معنای اطمینان به صدور آن حدیث از ایشان نیست. البته توجه به این نکته مفید است که وقتی در مراحل ارزیابی یک روایت، هیچ‌کدام از ملاک‌های هشت‌گانه رد و عدم حجیت یافت نشود، همین موجب افزایش احتمال صحت و احتمال اعتبار حدیث خواهد شد و از آن پس، ارزیابی با نگاه خوش‌بینانه ادامه می‌یابد.

در این بخش، معیارها و عواملی بیان می‌شود که با وجود یکی از آنها، وثوق و اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام حاصل می‌شود.

### ۱. ثقه‌بودن همه راویان در روایت مسند بدون اعراض مشهور

اگر همه راویان سند یک روایت، ثقه باشند، هر چند امامی نباشند، بنا بر تقسیم متأخران، آن روایت، جزو اخبار مؤثقه محسوب شده و معتبر خواهد بود. البته بنا بر نظر گروهی از علما که قول صحیح هم هست، اگر مشهور قدما از این روایت اعراض کرده باشند، حجیت نخواهد داشت؛ زیرا اعراض مشهور قدما به دلیل نزدیکی آنان به عصر ائمه علیهم السلام و قرائنی که در دست‌رسان بوده، مانع وثوق و اطمینان به صدور روایت می‌شود.<sup>۷</sup>

### ۲. علو مضمون حدیث

برخی روایات از چنان مضمون و معانی والا و خاصی برخوردارند که صدور آن جز از ناحیه معصومان علیهم السلام ممکن نیست. هرگاه از نوع محتوا و معانی ویژه یک روایت، اطمینان حاصل شود که بیان چنین مطالبی جز از سوی اولیای دین امکان ندارد، آن روایت معتبر و حجّت خواهد بود، حتی اگر برخی از راویان آن توثیق نداشته باشند یا روایت مرسله باشد. علو و خاص بودن بودن مضمون حدیث، می‌تواند از جهت بیان معارف معنوی و الهی عمیق و ویژه یا مطالب علمی‌ای باشد که در آن عصر، طرح آن جز از طرف شخص متصل به علم الهی ممکن نبوده است. این معیار در حوزه روایات خدانشناسی که با معانی بسیار عمیق و دقیقی روبه‌روست، کاربرد ویژه دارد.

۷. اعراض مشهور از خبر صحیح، مجله مجتمعه آموزش عالی قم، ش ۱۴، ص ۱۸۸.

شیخ انصاری (رحمه‌الله) درباره حدیثی که در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده، می‌نویسد:

دلّ هذا الخبر الشريف اللائح منه آثار الصدق ...<sup>۸</sup>

امام خمینی علیه السلام نیز با همین معیار، برخی از متون و ادعیه را کاملاً معتبر و بدون شک و شبهه دانسته در حالی که راویان آن توثیق نشده‌اند. به عنوان نمونه:

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن، بزرگترین دستور زندگی مالدی و معنوی ... است از امام معصوم ماست. ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی علیه السلام و صحیفه سجّادیه این زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است [افتخار می‌کنیم].<sup>۹</sup>

### ۳. شهرت عملی یا فتوایی قدما

اگر مشهور، به استناد روایتی فتوا داده باشند، اصطلاحاً شهرت عملی حاصل می‌شود، اما اگر فتوای موافق مضمون روایت داده، ولی در فتوایشان استنادی به روایت نکرده باشند، اصطلاحاً شهرت فتوایی گفته می‌شود. حال اگر مشهور فقهای قدما که عبارتند از فقهای نزدیک عصر ائمه علیهم السلام تا پیش از دوره علامه حلی، به روایتی عمل کنند و به استناد آن فتوا دهند یا حتی فتوایشان موافق مضمون روایت باشد، آن روایت معتبر خواهد بود، هرچند ضعف سندی داشته باشد. زیرا وقتی بیشتر فقهای آن زمان که نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام بودند و اصول اولیه حدیثی و قرائن و شواهد بسیاری را برای ارزیابی روایات در دسترس داشتند، به اتفاق، روایتی را بپذیرند یا موافق آن فتوا دهند، موجب اعتماد به صدور آن می‌شود.

مبنای جبران ضعف سندی به وسیله شهرت عملی، بعد از عصر وحید بهبهانی طرفداران بسیاری پیدا کرد. فقیهانی چون وحید بهبهانی، علامه بحر العلوم، سید علی طباطبائی صاحب ریاض، سید محمد مجاهد، شیخ انصاری، صاحب جواهر، میرزای قمی، علامه شفتی، سید محسن حکیم، آیت الله

۸. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۰۴.

۹. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، ص ۲.

بروجدی و امام خمینی از طرفداران این نظریه هستند. البته این دیدگاه، مخالفانی هم دارد از جمله شهید ثانی، صاحب معالم و آیت الله خویی.<sup>۱۰</sup>

فقه‌ها و محدثان دوره قدما که معمولاً شهرت عملی به وسیله فتوای آنان محقق می‌شود عبارتند از: شیخ کلینی، شیخ صدوق، ابن ابی عقیل، ابن جنید، شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی، ابوالصلاح حلبی، شیخ طوسی، کراجکی، سلار دیلمی، ابن براج، شیخ طبرسی، ابن زهره و ابن ادریس.

#### ۴. استفاضه لفظی یا مضمونی اطمینان‌آور همراه با عدم اعراض مشهور

هرگاه عین الفاظ یا مضمون و معنای یک حدیث با سند‌های متعدّد و به اصطلاح به صورت مستفیض روایت شود و این استفاضه و تکرار به حدّی باشد که نوعاً وثوق و اطمینان به صدور ایجاد کند، آن حدیث، معتبر و حجّت خواهد بود، هرچند به حدّ تواتر نرسیده باشد. البته این استفاضه به شرطی اطمینان می‌آورد که مشهور قدما از آن اعراض نکرده باشند. بر همین اساس، برخی از فقیهان در مباحث فقهی، هرگاه به خبر واحد مستفیض می‌رسند، با وجود ضعف سند، آن را معتبر دانسته و به آن استدلال می‌کنند.<sup>۱۱</sup> امام خمینی علیه السلام در کتاب البیع، بحث ولایت فقیه، به روایتی از شیخ صدوق استدلال کرده که شیخ آن را به سه طریق نقل می‌کند.<sup>۱۲</sup>

اکنون پرسش این است که مصطلح «مستفیض» بر چه سندی با چه تعداد راوی در هر طبقه صدق می‌کند. برخی وجود دست کم سه راوی<sup>۱۳</sup> و برخی دو راوی را در هر طبقه لازم دانسته‌اند.<sup>۱۴</sup> البته قول به لزوم سه راوی، طرفداران بیشتری دارد. با توجه به این که فرض این معیار آن است که روایت، دچار ضعف سند بوده و معیار استفاضه به تنهایی، اعتباربخش شود، به نظر می‌رسد که برای حصول وثوق و اطمینان به صدور چنین روایتی، وجود دست کم سه راوی در هر طبقه لازم است.

۱۰. وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها، مجله فقه، ش ۱۹، ص ۱۴۵.

۱۱. مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۲۵۷؛ کتاب الزکاة، ج ۲، ص ۳۲.

۱۲. کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۸.

۱۳. اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، ج ۱، ص ۳۸.

۱۴. الرعاية فی علم الدراية، ج ۱، ص ۶۹.

عدم اعراض فقها که شرط کارکرد این معیار است، به سه گونه قابل احراز است. نخست این که مشهور فقیهان به استناد این روایت، فتوا داده باشند و شهرت عملی حاصل شود. یعنی این روایت، افزون بر شهرت روایی، شهرت عملی هم پیدا کند. دوم این که مشهور فقیهان، فتوای موافق با روایت داده، ولی در فتوایشان، استنادی به این روایت نکرده باشند؛ یعنی به اصطلاح، شهرت فتوایی حاصل شود. سوم این که، مشهور در این مسأله فتاوای چندانی نداده یا فتاوای اختلافی داده باشند، ولی شهرتی بر خلاف این روایت شکل نگرفته باشد.

هرچند در هر سه صورت یادشده، عدم اعراض مشهور، صدق می‌کند، اما منظور از عدم اعراض مشهور در عنوان این مورد، گونه سوم است؛ زیرا اگر عدم اعراض از نوع اول و دوم باشد، روایت، غیر از معیار استفاضه، با معیار شهرت عملی و فتوایی، موثوق الصدور خواهد شد؛ ولی در گونه سوم، هیچ شهرت عملی یا فتوایی شکل نگرفته است.

پرسی که امکان طرح آن وجود دارد، فرق میان استفاضه با شهرت روایی است. برخی از عالمان، این دو را مترادف دانسته‌اند. گروهی شهرت را اعم و برخی مستفیضه را اعم و بعضی نیز رابطه آنها را عموم و خصوص من وجه شمرده‌اند.<sup>۱۵</sup> فارغ از اختلاف اصطلاحی، از آنجا که در این بحث، حصول اطمینان به صدور حدیث اهمیت دارد، در این معیار، وجود سه راوی در هر طبقه موجب وثوق صدور می‌شود. حال، اسم و اصطلاح آن را افزون بر استفاضه، شهرت روایی هم باشد یا نه، فایده عملی در این بحث ندارد. لازم به ذکر است در مواردی، کتب فقهی برای جبران ضعف سند به شهرت روایی استدلال کرده‌اند که به نظر می‌رسد مرادشان همان استفاضه باشد.<sup>۱۶</sup>

## ۵. جمع اطمینان بخش از قرائن ظنی به صدور روایت

برخی از قرائن، به تنهایی، ظنی را بر صدور حدیث ایجاد می‌کند و نمی‌تواند ایجاد اطمینان و وثوق نماید. اما در صورت اجتماع بعضی از این قرائن در کنار هم، اطمینان لازم به صدور یک حدیث، حاصل شده و آن روایت، حجیت می‌یابد. اهمیت این معیار از آن روست که به دلیل منحصر نبودن آن در قرینه معین و شمول آن نسبت به انواع قرائن و شواهد، کاربرد فراوانی در اعتبارسنجی روایات

۱۵. خبر واحد، مجله علوم حدیث، ش ۱۰، ص ۴۷.

۱۶. مفاتیح الاصول، ص ۵۰۵؛ مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۲۵۷.



دارد. همچنین در موارد بسیاری در کتب و مباحث فقهی با استفاده از جمع و تراکم قرائن مختلف، به اعتبار یک روایت رسیده و در مسائل فقهی به آن استدلال می‌کنند. صاحب وسائل در خاتمه وسائل الشیعة، هنگامی که قرائنی را بر اعتبار روایات ذکر می‌کند، در یکی از موارد می‌گوید:

جمع دو قرینه یا بیشتر، موجب اعتبار حدیث می‌شود.<sup>۱۷</sup>

به نظر می‌رسد برای حصول اطمینان به اعتبار حدیث، عدد مشخصی را نمی‌توان تعیین کرد؛ زیرا این که با چه تعداد قرینه اطمینان حاصل شود، بستگی به نوع قرینه‌ها و میزان قوت آنها در اعتمادبخشی دارد.

برخی از قرائن ظنی عبارتند از:

- نقل در کتب مقبول و معتبر قدما<sup>۱۸</sup> از جمله الکافی و من لا یحضره الفقیه.

از آنجا که همه کتاب‌ها، اعتباری یکسان ندارند، نقل روایت در کتاب‌های مختلف، بر میزان اعتماد به آن موثر خواهد بود. برخی از عالمان با توجه به شهادت شیخ صدوق بر صحت و حجت بودن روایات کتابش و جلالت قدر نویسنده در فقه و حدیث، نقل روایت را در من لا یحضره الفقیه، به تنهایی دلیل اعتبار دانسته‌اند.<sup>۱۹</sup> جمعی دیگر، همچون محقق نایینی وجود روایت در الکافی را به تنهایی موجب اعتماد به آن شمرده‌اند.

- وجود یک خبر موافق با سند مختلف اما ضعیف

- نبود یا کم بودن انگیزه جعل در موضوع حدیث

- شهرت روایی، یعنی تکرار در کتب حدیثی معتبر و قابل اعتماد<sup>۲۰</sup>

منظور از این شهرت، مستفیضه بودن نیست، بلکه صرفاً تکرار یک روایت در کتب متعدد روایی با

یک سند یا به صورت مرسله است.<sup>۲۱</sup>

۱۷. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۴۷.

۱۸. منطق فهم حدیث، ص ۲۵۳.

۱۹. وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها، مجله فقه، ش ۱۹، ص ۱۴۵.

۲۰. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۴۵.

۲۱. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۴۶.

- اعتماد قمی‌ها به یک روایت

به جهت آن که آنان در قبول و نقل روایت سخت‌گیر بودند.<sup>۲۲</sup>

- اندک‌بودن راویان ضعیف در سند

گاهی همه راویان یک روایت به جز یک نفر ثقه هستند و گاهی چند راوی ضعیف در سند یک روایت وجود دارد. روشن است که احتمال و ظنی که نسبت به صدور این روایات ایجاد می‌شود به یک میزان نخواهد بود.

- عالی‌بودن سند<sup>۲۳</sup>

هر اندازه تعداد راویان واسطه تا معصوم کمتر باشد، احتمال خطا کاهش یافته و به همان نسبت، احتمال صدور این متن افزایش می‌یابد.

- نداشتن خبر معارض<sup>۲۴</sup>

- همه راویان از ثقات بزرگ و جلیل‌القدر باشند به جز یک راوی در وسط یا انتهای سند

نقل ثقات جلیل‌القدر و متبخر در حدیث و حاضر در عصر ائمه علیهم‌السلام، احتمال صدور حدیث را بالا می‌برد هرچند که یک راوی در میانه یا آخر سند (سمت معصوم)، ضعیف یا مجهول باشد. زیرا چه بسا آن شخصیت‌های شناخته‌شده هم عصر ائمه علیهم‌السلام، با قرائنی اطمینان کافی به صدور روایت پیدا کردند و اگر آن قرائن امروزه در دسترس بود، می‌توانست اطمینان‌آور باشد. اما اگر راوی ضعیف در ابتدای سند باشد، ظن به صدور را بالا نمی‌برد، زیرا ممکن است یک راوی خطاکار، چیزی را به بزرگان حدیث و فقه نسبت داده باشد.

- مشابهت سبک بیان و لسان حدیث با لسان احادیث معصومان علیهم‌السلام

کسانی که با روایات، انس داشته باشند و اهل مطالعه بسیار حدیث باشند، می‌بینند که احادیث معصومان علیهم‌السلام از سبک و لسان خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که گاهی نوع بیان و سخن آنان با

۲۲. وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها، مجله فقه، ش ۱۹، ص ۱۴۵.

۲۳. دفاع از حدیث، فصلنامه سمات، ش ۱، ص ۱.

۲۴. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۴۶.

افراد عادی تفاوت دارد. از همین رو اگر روایتی، هماهنگی محسوسی با این سبک بیان داشته باشد، ظنّی را نسبت به صدور آن از ناحیه معصومان علیهم السلام ایجاد می‌کند.

- نبودن راوی جاعل و وضاع در سند
  - رعایت قواعد ادبیات عرب
  - عدم اضطراب در متن و سند حدیث
  - موافقت با فطرت و وجدان مشترک میان انسان‌ها
- روایاتی هم دالّ بر این معیار ظنّی وجود دارد.<sup>۲۵</sup>

### ۶. نقل روایت در الکافی و من لا یحضره الفقیه با سند مختلف

در مورد پیشین گفته شد که برخی از اعلام، وجود روایت در کتاب الکافی شیخ کلینی (ره) و برخی دیگر، نقل روایت در کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق (ره) را موجب اعتبار و حجّیت آن دانسته‌اند. به نظر می‌رسد که ادلّه این دو دیدگاه تمام نیست. در برابر، به نظر می‌آید با توجه به جایگاه، اعتبار و قدمت این کتاب‌ها و شهادت مولفان آن بر صحّت روایات کتابشان، در صورتی که یک روایت در هر دو کتاب و با سند مختلف ذکر شده باشد، اعتماد و اطمینان کافی نسبت به صدور آن حاصل می‌شود؛ هرچند برخی از راویان آن ضعیف باشند. در این معیار، مرسله‌بودن روایت در یک کتاب، ملاک را ناتمام می‌گذارد، زیرا احتمال دارد که این مرسله از همان طریق ضعیف کتاب دیگر نقل شده باشد. در این صورت، اطمینان به صحّت روایت حاصل نمی‌شود.

### ۷. عرضه روایت یا کتاب به امام علیه السلام و تأیید ایشان

اگر روایت یا اصل و کتابی به یکی از ائمه علیهم السلام عرضه شده و ایشان تأیید نمایند، آن روایت یا اصل یا کتاب، حجّیت می‌یابد. البته گزارش عرضه به امام باید با دلیل معتبر محرّز شود.

یکی از کتاب‌هایی که در باب دیات به روایات آن استناد بسیاری می‌شود، کتاب ظریف بن ناصح است. روایات این کتاب در کتب مشایخ ثلاثه یعنی الکافی، من لا یحضره الفقیه و تهذیب الاحکام

۲۵. شناخت‌نامه حدیث، ج ۲، ص ۵۱.

آمده است. صاحب جواهر و محقق اردبیلی در بحث دیات، روایات این کتاب را مورد اعتماد می‌دانند و دلیل آن را عرضه بر امام علیه السلام و تأیید ایشان شمرده‌اند.<sup>۳۶</sup>

### ج) تقدّم و تاخّر معیارها

اکنون که هر دو نوع از معیارهای ارزیابی حدیث بیان شد، پرداختن به تقدّم و تاخّر آنها ضروری است. در بررسی اعتبار و وثوق صدور روایات، معیارهای قطعی دسته اول بر دسته دوم مقدّم می‌شود. مقصود از تقدّم، آن است که اگر روایتی یکی از ملاکهای نوع اول را که موجب یقین به عدم صدور روایت از معصوم است، دارا باشد، مردود و بی اعتبار بوده و دیگر نیازی به بررسی معیارهای نوع دوم نیست. یعنی اگر در بررسی روایتی، روشن شد که یکی از ملاکهای دسته اول به همراه یکی از ملاکهای دسته دوم در آن وجود دارد، آن روایت بی اعتبار خواهد بود؛ زیرا معیارهای عدم صدور، مقدّم و وارد بر معیارهای صدور است.

علّت تقدّم معیارهای گروه اول بر معیارهای گروه دوم، آن است که معیارهای دسته اول معمولاً افاده یقین می‌کند؛ درحالی که ملاکهای دسته دوم، اطمینانی است. روشن است که رتبه قطع و یقین بر اطمینان عقلایی مقدّم است و با وجود دلیل یقینی نوبت به دلایل غیر یقینی نمی‌رسد و با وجود ادله یقینی معارض، اطمینان بخشی امارات دسته دوم از بین می‌رود. برای مثال اگر روایتی مخالف با قرآن یا سنت قطعیّه یا حکم قطعی عقل یا ضروری دین و مذهب باشد، از حجّیت ساقط می‌شود، هرچند همه راویان آن تقه بوده یا استفاضه روایی داشته یا در کتب معتبر ذکر شده یا در کتابی نقل شده باشد که به امام عرضه شده است.

البته از میان معیارهای گروه اول، پنج مورد نخست، یقینی هستند، اما سه مورد آخر، یعنی مخالفت با مسلّمات تاریخی و اجتماع قرائن بر جعل و رکاکت معنایی، باید گفت که اگر مسلّمات تاریخی از نوع متواترات یقینی باشند، باز هم مقدّم می‌شوند، ولی اگر از نوع غیر متواترات باشند، چون مانند دلیل معارضش افاده اطمینان می‌کند دلیلی بر تقدّمش وجود ندارد. حال اگر هیچ کدام اقوی نباشد، تعارض کرده و هر دو از حجّیت ساقط می‌شوند و روایت، بدون حجّت باقی می‌ماند. حکم مورد اجتماع قرائن بر جعل هم مانند غیر متواترات تاریخی است.

۳۶. جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۹۵؛ مجمع الفائده و البرهان، ج ۱۴، ص ۴۰۲.

معیار رکاکت معنایی نیز اگر قطع عدم صدور ایجاد کند، مقدّم خواهد و اگر به چنین رتبه‌ای نرسد، تعارض کرده و با آن مانند غیر متواترات تاریخی برخورد می‌شود.

## نتیجه

در نقد و اعتبارسنجی روایات دو گونه معیار وجود دارد: اول معیارهای کاشف از عدم صدور و عدم اعتبار؛ دوم معیارها و قرائن وثوق به صدور. معیارهای هشت‌گانه کاشف از عدم صدور، عبارتند از: مخالفت با قرآن، مخالفت با سنت قطعیه، مخالفت با حکم قطعی عقل، مخالفت با ضروریات دین و مذهب، مخالفت با یافته‌های یقینی از محسوسات، مخالفت با مسلمات تاریخی، رکیک و سخیف بودن معنای روایت و جمع قرائن اطمینان‌آور.

قرائن وثوق به صدور، بنا بر مبنای وثوق سندی منحصر در توثیق راویان است؛ اما بنا بر مبنای وثوق صدور هفت مورد را شامل می‌شود که عبارتند از: ثقه بودن همه راویان در روایت مُسند بدون اعراض مشهور، علو مضمون حدیث، شهرت عملی یا فتوایی قدما، استفاضه لفظی یا مضمونی بدون اعراض مشهور، جمع اطمینان‌بخش از قرائن ظنی، نقل روایت در کافی و من لا یحضره الفقیه و عرضه روایت یا کتاب به امام علیه السلام و تأیید ایشان.

در صورت تعارض دو نوع معیار، به جهت آن که پنج مورد اول از معیارهای کاشف عدم صدور، قطعی و یقینی هستند، مقدّم می‌شوند. سه مورد آخر هم اگر از آنها یقین حاصل شود مقدّم خواهند شد، در غیر این صورت اگر هیچ‌کدام از دو نوع معیار، قوی‌تر از دیگری نباشد و موجب اطمینان به صدور نشود، هر دو ساقط می‌شوند و روایت بدون اعتبار خواهد ماند.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. الاخبار الدخیله، محمد تقی شوشتری، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، اول، ۱۴۰۱ ق.
۳. آسیب‌شناسی حدیث، عبد الهادی مسعودی، تهران، سمت، ۱۳۹۲ ش.
۴. اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، جعفر سبحانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۵. اصول الحدیث، عبد الهادی فضلی، بیروت، مؤسسه ام القرى، اول، ۱۴۱۶ ق.
۶. اصول و قواعد فقه الحدیث، محمد حسن ربانی بیرجندی، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۳ ش.

۷. ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، محمد باقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، پنجم، ۱۳۷۴ش.
۸. تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید محمد بن محمد، تحقیق محمد حسون، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۹. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلّاتی، تهران، المكتبة العلمية، اول، ۱۳۸۰ق.
۱۰. جواهر الكلام، محمد حسن نجفی، تحقیق عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم، ۱۴۰۴ق.
۱۱. رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۳۶۳ش.
۱۲. الرعاية فی علم الدراية، شهید ثانی زین الدین بن علی، تحقیق عبد الحسین محمد علی بقال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۰۸ق.
۱۳. روش شناسی نقد احادیث، علی نصیری، قم، وحی و خرد، اول، ۱۳۹۰ش.
۱۴. شناخت نامه حدیث، محمد محمدی ری شهری، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۹۷ش.
۱۵. صحیفه نور، سید روح الله موسوی خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، پنجم، ۱۳۸۹ش.
۱۶. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، نهم، ۱۴۲۸ق.
۱۷. فرهنگ نامه اصول فقه، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۹ش.
۱۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، قم، دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۹. کتاب البیع، سید روح الله موسوی خمینی، قم، اسماعیلیان، اول، ۱۴۱۰ق.
۲۰. کتاب الزکاة، سید محمد هادی میلانی، مشهد، دانشگاه فردوسی، اول، ۱۳۵۵ش.
۲۱. مجمع الفائده و البرهان، احمد بن محمد مقدّس اردبیلی، تحقیق مجتبی عراقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
۲۲. مصباح الفقیه، رضا همدانی، قم، مؤسسه الجعفریة و مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۶ق.
۲۳. مفاتیح الاصول، سید محمد مجاهد طباطبایی، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۲۹۶ق.
۲۴. مقیاس الهدایة فی علم الدراية، عبد الله مامقانی، تحقیق محمد رضا مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۱ق.
۲۵. منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دوم، ۱۳۹۳ش.

۲۶. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سیّد محمّد حسین طباطبائی، بیروت، مؤسّسه الاعلمی، دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۷. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، شیخ حرّ عاملی محمّد بن الحسن، قم، مؤسّسه آل البيت، اوّل، ۱۴۰۹ق.
۲۸. وضع حدیث، ناصر رفیعی محمّدی، قم، مرکز بین المللی و نشر المصطفی، دوم، ۱۳۹۸ش.
۲۹. وضع و نقد حدیث، عبد الهادی مسعودی، تهران، سمت، اوّل، ۱۳۸۸ش.
۳۰. مقاله بحث‌های مقارن در علم الحدیث خبر واحد، محمّد رحمانی، علوم حدیث، قم، ش ۱۰، ۱۳۷۷ش.
۳۱. مقاله اعراض مشهور از خبر صحیح، محمّد رسول آهنگران، مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، ش ۱۴، ۱۳۸۱ش.
۳۲. مقاله دفاع از حدیث، مهدی حسینیان قمی، مجله سمات، تهران، سال اوّل، ش ۱، ۱۳۸۹ش.
۳۳. مقاله وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها، محمّد حسن ربّانی بیرجندی، مجله فقه، قم، ش ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۷۸ش.

